

جلسه سوم

- تقسیمات فرااخلاق
- تعریف و عناوین وجودشناسی اخلاق
- تعریف و عناوین معرفت شناسی اخلاق
- تعریف و عناوین دلالت شناسی اخلاق

مباحث اخلاقی فرا اخلاق

◎ وجودشناسی اخلاقی (moral ethics)

بحث از وجود و عدم اوصاف اخلاقی (moral properties)

◎ معرفت شناسی اخلاقی (moral epistemology)

آیا صدق و کذب در قضایای اخلاقی معنا دارد یا اصلاً قضایای اخلاقی معرفت بخش نیستند

◎ دلالت شناسی اخلاقی (moral semantics)

حدود و ثغور مفاهیم اخلاقی تا چه اندازه است. خوبی در قضایای اخلاقی با خوبی در غیر آن (مانند این که هوا خوب است) فرقی دارد یا نه؟

وجودشناسی اخلاقی (MORAL ETHICS)

○ واقع گرایی اخلاقی (moral realism) قضایای اخلاق دارای پشتوانه های حقیقی هستند

○ تقسیم اول:

■ عام گراها (generalist) (مانند هیر) معتقدند: قضایای اخلاقی کلیت دارند و عام هستند

■ خاص گراها (particularists) قضایای اخلاقی در موقعیت ها تغییر می کنند و کلیت و عمومیت ندارند.

○ تقسیم دوم:

■ طبیعی:

○ لذت گرایی Epicureanism – Hedonism

○ سودگرایی بننام (Utilitarianism)

○ وجدان Conscience

■ مابعدالطبیعی:

○ فضیلت گرایی ارسطو (Virtue Ethics)

○ وظیفه کانت (Deontological ethics)

○ مکتب اخلاقی اسلام

مکاتب اخلاقی مشهور

◎ **غایت گرایی Teleological ethics** (ملاک درستی و نادرستی و بایستگی و نبایستگی یک رفتار به اهدافی و نتایج حاصل از آن بستگی دارد)
غایت گرا ⇐ کسی که برای انجام یک فعل به نتیجه حاصل از آن توجه دارد.

◎ **وظیفه گرایی deontological Ethics** (ملاک خوبی و بدی و باید ها و نبایدها به وظیفه فرد بستگی دارد نه نتیجه)
وظیفه گرا ⇐ کسی که برای انجام یک فعل به وظیفه خود در قبال آن توجه دارد.

◎ **فضیلت گرایی Vitue Ethics** (ملاک خوبی و بدی افعال تأثیری است که بر ویژگی های انسان می گذارد)
فضیلت گرا ⇐ کسی که برای انجام یک فعل به ویژگی های انسانی خود توجه دارد.

اخلاق غیرواقع گرا

⊙ احساس گرایی (Emotivism): در قضایای اخلاقی صدق و کذبی نیست همه یک سری احساس هستند در گوینده یا احیاناً در شنونده

آیر Ayer مهمترین نظریه پرداز است که در حلقه وین حضور داشت

⊙ توصیه گرایی (Prescriptivism): گفتارهای اخلاقی به منظور تبادل اطلاعات یا ابراز احساسات صادر نمی شوند بلکه دارای نقش عملی و کارکردی دارند. هیر از سردمداران این نظریه است

⊙ جامعه گرایی (moral socialism): گفتارهای اخلاقی واقعیتی ندارند جز میانگین مجموعه اعتقادات و احساسات مشترک در افراد یک جامعه. دورکیم ضمن جعل اصطلاح «وجدان جمعی» به این نظریه تأکید دارد.

⊙ قرارداد گرایی (Moral contractualism): منشأ احکام اخلاقی و معیار صدق و کذب قضایای اخلاقی در توافق Agreement افراد جستجو می کنند. از افلاطون شروع و با هابز و لاک و روسو ادامه یافت

⊙ امر الهی (Divine Command Theory): منشأ احکام اخلاقی امر خداست و ورای این امر چیز دیگری وجود ندارد. مهمترین معتقدان به این نظریه اشاعره هستند

معرفت شناسی اخلاقی

شناخت گرای Moral Cognitivism

- شهودگرایی (Moral intuitionism): درزندگی یک سری واقعیت های عینی اخلاقی objective moral truths وجود دارد که انسان ها می توانند با شهود بدان ها دست بیابند. برخی مانند آئودی Robert Audi معتقد به خطاپذیری این شهودات و برخی مانند راس W. D. Ross به عدم خطاپذیری آن هستند.

ناشناخت گرای Moral Non-Cognitivism

- احساس یا عاطفه گرای emotivism: واقعیتی جز یکسری احساسات در قلمرو نوع دوستی احساس همدردی و ... وجود ندارد. هیوم و کسانی که در حلقه وین بودند مانند کارناپ در این باره مطالبی ارائه کردند
- نسبی گرای moral relativism: واقعیتی نیست به همین لحاظ هر تشخیص اخلاقی از هر جامعه و حتی از هر فردی قابل احترام و قبول است.